

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۳ جون ۲۰۲۵

شکست‌های پی در پی امپریالیسم امریکا

با نگاهی به‌گذشته، شکست ابرقدرت ایالات متحده امریکا در ۵۰ سال پیش در ویتنام، که البته تحت عنوان "آخرین پیروزی کمونیسم در قرن بیستم" توصیف شد، نشان می‌دهد که این رویداد تاریخی آغاز یک سری طرح‌های ژنوستراتیژیک شکست خورده توسط واشنگتن است که از سایگون در سال ۱۹۷۵ تا کابل در سال ۲۰۲۱ و تا کییف در زمان حال امتداد دارد.

نیم قرن پیش در ۳۰ اپریل، "ویت کنگ"های قهرمان، سایگون را تصرف کردند و مهر پیروزی خلق قهرمان ویتنام را بر تارک تاریخ کوبیدند. پیروزی کمونیست‌ها در نبرد برای تصرف پایتخت ویتنام جنوبی در واقع پایان رسمی جنگ ۲۰ ساله در این کشور جنوب‌شرقی آسیا را رقم زد. برای ایالات متحده، ویتنام به یک کابوس وحشتناک و یک آبروریزی محض تبدیل شد. نه تنها در سطح نظامی، تصویر این ابرقدرت که پس از جنگ جهانی دوم شاهد رشد و افزایش قدرت چشمگیری بود، آسیب قابل توجهی دید، نه تنها آبرویی برای امپریالیسم امریکا باقی نگذارد بلکه ضربه مهلکی به اقتصاد این کشور نیز وارد ساخت.

یکی از بارزترین و مهمترین نشانه‌های خسارت این جنگ، چاپ بی‌رویه دالر به‌مثابه ارز مبادلات تجاری جهان و افزایش نجومی حجم نقدینگی و تورم در امریکا به خاطر تأمین هزینه‌های مالی جنگ ویتنام بود. کار به جایی رسید که نیکسون رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۷۱، در بحبوحه جنگ ویتنام، برای جلوگیری از ورشکستگی کشور، ذخائر طلای امریکا را، که از سال ۱۹۴۶ در "برتون وودز" طبق قرار دادی با سایر کشورهای غربی به‌عنوان پشتوانه دالر تعیین شده بود، به صورت یک‌جانبه فسخ و تریلیون‌ها دالر کاغذ سبزی بی‌پشتوانه و بی‌اعتبار را در جهان شناور ساخت. به این ترتیب ایالات متحده امریکا بزرگترین کلاهبرداری و راهزنی تاریخ را به ویژه در رابطه با پترو دالر آغاز کرد که هنوز هم ادامه دارد. خوشبختانه مدت‌هاست که بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه جنوب جهان، با ابتکارات و شیوه‌های مختلف سعی در انجام مبادلات تجاری، بدون استفاده از دالر دارند که تا حدودی هم موفق بوده‌اند.

"مردم به خیابان‌ها بیایید، اول ماه مه سرخ است!"، "همه به خیابان‌ها بیایید، سایگون آزاد است"

اینها شعارهائی بودند که در سال ۱۹۶۸ جنبش عظیم و مترقی دانشجویی در شهرهای برلین غربی، فرانکفورت، پاریس و سایر شهرهای اروپا در حمایت همهجانبه از خلق دلاور و مقاوم ویتنام، که می‌رفت تا میهن و مردمش را از شر امپریالیسم سلطه‌جو و استثمارگر رها سازد، در خیابان‌ها فریاد می‌زدند.

فرار از سایگون

و بالاخره خلق ویتنام بر دشمن غدار غلبه کرد و پوزاهش را به‌خاک مالید. جهانیان در پایان اپریل ۱۹۷۵ شاهد تصاویر فرار ارتش تجاوزگر امریکا از سایگون بودند. در ۲۹ اپریل آن سال رادیوی ارتش امریکا در سایگون در کمال خفت و خواری از سربازان خواست تا دست از جنگ بشویند و خود را برای مرحله نهائی فرار آماده سازند.

ساعاتی بعد هلیکوپترهای امریکائی در سواحل ویتنام در حال چرخش بودند و اغلب بسیار بیش از ظرفیت خود پرواز می‌کردند زیرا بسیاری از هلیکوپترهای امریکا به‌تصرف سربازان ویتنام درآمده بود. دقایقی قبل از ساعت ۸ صبح روز ۳۰ اپریل آخرین هلیکوپتر از سفارت امریکا در سایگون به‌حرکت در آمد و تنها سه ساعت و نیم بعد تانک‌های ارتش ویتنام‌شمالی به‌کاخ ریاست‌جمهوری در سایگون رسیدند.

عکسی که در آن زمان بیشترین تأثیر را در افکار عمومی جهان گذاشت سه ساعت بعد گرفته شد. قرار بود یک هلیکوپتر، معاون رئیس‌سیا را از پشت بام ساختمانی به مرکز شهر منتقل کند. اما همزمان عده زیادی با ازدحام سعی کردند که سوار آن هلیکوپتر شوند، که تعداد کمی موفق شدند. این عکس به نمادی از شکست مفتضحانه امپریالیسم امریکا در ویتنام تبدیل شد، کما این که ۴۶ سال بعد، فرار نیروهای امریکائی از کابل نیز به‌همین سرنوشت دچار شدند. سومین ننگی که در این رابطه امپریالیسم امریکا باید به جان می‌خرد، فرار این ارتش تجاوزگر، به همان خفت و خواری، پس از آفریدن ۸ سال ویرانی و کشتار میلیونی در کشور عراق بود. در آغاز دهه ۱۹۶۰ واشنگتن هزاران مشاور نظامی را به کشور تقسیم شده ویتنام فرستاد. شمال کمونیست و جنوب تحت سیطره امریکا.

ویتنام‌جنوبی، که به‌طور فزاینده‌ای به سوی تمامیت‌خواهی در حرکت بود، وارد درگیری‌های مسلحانه شدند. هیأت امریکائی در آن زمان این تز را تبلیغ می‌کرد که پیروزی کمونیست‌ها در هندوچین، طبق نظریه دومینو، تمام آسیا را به چپ متمایل خواهد کرد.

به‌همین دلیل بمب‌افکن‌های امریکائی به‌همراه هواپیماهای ویتنام‌جنوبی، سم‌های علف‌کش حاوی دیوکسین را بر فراز ویتنام‌جنوبی و مناطق مرزی لائوس و کامبوج پاشیدند.

مواد کیمیائی برگزدا از جمله "عامل نارنجی بدنام" با هدف محروم کردن نیروهای چریکی "ویت‌کنگ" از پوشش و غذا و تضعیف حمایت مردم روستائی طراحی شده بودند.

استفاده از مواد کیمیائی بسیار سمی توسط رئیس‌جمهور ایالات متحده، جان اف کندی آغاز شد و جانشین او لیندون بی. جانسون این روند را تشدید کرد.

ایالات متحده عملاً و آشکارا وارد جنگی جنایتکارانه شده بود.

پس از حمله ادعائی قایق‌های اژدرافکن ویتنام‌شمالی به‌کشتی‌های جنگی ایالات متحده، که همان زمان به‌عنوان یک عملیات "پرچم دروغین" افشاء شد، کنگره ایالات متحده در اگست ۱۹۶۴ به رئیس‌جمهور چراغ سبز برای ورود به‌جنگ علیه ویتنام شمالی را داد، اگرچه هیچ اعلام رسمی جنگ صورت نگرفت.

قدرت نظامی فریبنده

ایالات متحده حملات هوایی بی‌سابقه‌ای را علیه ویتنام شمالی انجام داد و تخمین زده می‌شود که هفت میلیون تن بمب حدود سه برابر مقدار بمبی که در کل جنگ جهانی دوم استفاده شد بر سر مردم این کشور ریخت! در همان زمان، تعداد بیشتری از سربازان امریکائی به ویتنام اعزام شدند. در سال ۱۹۶۸، حدود نیم میلیون سرباز امریکائی در ویتنام وجود داشت. با وجود برتری نظامی قاطع، برای ارتش امریکا موفقیت نهائی دور از دسترس بود.

زیرا از یک سو خلق دلاور ویتنام جانانه مقاومت می‌کرد و ضربات سهمگینی به نیروهای متجاوز امریکائی وارد می‌ساخت و از همین رو روحیه آنها را بشدت ضعیف کرده بود و از سوی دیگر در جبهه جهانی ویتنام، به خصوص در بین جوانان غرب، حمایت از امریکا جای خود را به حمایت از "ویت کنگ" داده بود.

در این رابطه پوشش رسانه‌ای، سقوط ایالات متحده امریکا را رقم زد، چرا که سوزاندن کودکان و نابودی مراعات، مزارع و جنگل‌ها توهم یک "جنگ پاک" را از بین برده بود - توهمی که امروزه نیز توسط بسیاری از سخنوران جنگ امپریالیستی به اشتراک گذاشته می‌شود. ستراتیژیست‌ها از این اشتباه درس گرفتند و پوشش رسانه‌ای جنگ‌های آینده را دستکاری می‌کنند!

در سال ۱۹۷۲، جهان با عکس "کیم فوک" ۹ ساله که در اثر حمله ناپالم دچار سوختگی شدید شده بود، شوکه شد. این اتفاق در زمانی رخ داد که ایالات متحده در حال خروج از منطقه بود. قرار بود این درگیری دوباره «ویتنامی» شود. در اینجا نیز می‌توان شباهت‌هایی با شرایط فعلی مشاهده کرد در افغانستان و همچنین در اوکراین و غزه. ناگفته نماند که در سال ۱۹۶۸، هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه ایالات متحده، گفت: «باور ندارم که قدرتی درجه چهار مانند ویتنام شمالی بالاخره در مقطعی مجبور به تسلیم نشود!» اما رشادت خلق دلاور ویتنام خلاف نظر او را ثابت کرد.

فرار امریکا با آتش‌بس

در جنوری ۱۹۷۳ توافقی امضاء شد که بر مبنای آن ارتش امریکا متعهد شد ظرف ۶۰ روز از ویتنام عقب‌نشینی کند و در مقابل، همزمان ویتنام شمالی تضمین کرد که تمام سربازان امریکائی را از اسارت آزاد کند. کیسینجر و مذاکره کننده ویتنام شمالی، "لی دوک تو"، در همان سال برای جایزه صلح نوبل انتخاب شدند. کیسینجر آن را پذیرفت، در حالی که "لی دوک تو" با این استدلال که هنوز صلح محقق نشده است آن را رد کرد.

آتش‌بس پیوسته از سوی نیروهای هوادار "نگوین ون تیو"، رئیس‌جمهور دیکتاتور ویتنام جنوبی نقض می‌شد و به همین دلیل او روز به‌روز بیشتر از حمایت مردم محروم می‌شد.

در آغاز مارچ ۱۹۷۵، نیروهای ویتنام شمالی همکاری با "ویت کنگ"‌ها را آغاز کردند و سپس حمله نهائی در حدود ۳۰۰ کیلومتری شمال شرقی سایگون. آغاز شد و در اثر پیشروی به یک پیروزی تبدیل شد. سقوط سایگون در ۳۰ اپریل ۱۹۷۵ با تسلیم ویتنام جنوبی همراه بود. در سال ۱۹۷۶، ویتنام رسماً تحت یک دولت کمونیستی متحد شد و هانوی پایتخت شد و شهر سایگون زان پس هوشی مین نامیده شد.

مسئولیت‌پذیری مردم

دهه‌ها طول کشید تا ایالات متحده مسئولیت خسارات جنگ را بر عهده بگیرد. اما با تردید و اکراه به آن تن داد.

برای ایالات متحده، جنگ ویتنام به یکی از بزرگترین شکست‌های تاریخ این کشور تبدیل شد. بیش از ۵۸۰۰۰ سرباز امریکائی در این جنگ خونین کشته شدند. بسیاری از بازگشتگان از جنگ، از اختلالات استرس پس از سانحه رنج می‌بردند. تصویر ایالات متحده امریکا در جهان دچار خراش‌های عمیق، جدی و التیام ناپذیر شده بود. عواقب آن برای ویتنام شدیدتر بود. تعداد قربانیان جنگ بیش از سه میلیون نفر تخمین زده می‌شود. تا به امروز، میلیون‌ها نفر از اثرات بلندمدت جنگ، از جمله سرطان ناشی از دیوکسین، رنج می‌برند. هنوز هم کودکان با نقص عضو به دنیا می‌آیند.

امروز چین و ویتنام در بحبوحه جنگ تجاری با امریکا، روابط خود را روز به روز عمیق‌تر می‌کنند. در جریان سفر رئیس‌جمهور شی جین پینگ به هانوی، پایتخت ویتنام در ۱۴ اپریل، ۲۰۲۵ توافقنامه همکاری‌های وسیع دوجانبه امضاء شد. به‌نظر می‌رسد دشمنی دیرینه بین دو کشور همسایه که در سال ۱۹۷۹ به جنگ علنی منجر شد، در حال تبدیل شدن به دوستی است. چندین سال است که چین و ویتنام از نظر اقتصادی در مسیر رشد اقتصادی قرار گرفته‌اند. همانطور که یک دیپلمات ویتنامی اخیراً گفته است:

"امروز باید از موقعیت جغرافیائی خود آگاه باشید و دیگر بازیچه قدرت‌های خارجی قرار نگیرید."